

نه بالا ونه پایین



• مهدی پهوری

بابا آمد، نان آورد

سروده مصطفی رحماندوست
تصویرگر: علی خدایی



- عنوان کتاب: بابا آمد، نان آورد
- نویسنده: مصطفی رحماندوست
- تصویرگر: علی خدایی
- ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۳۰۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۳۲ صفحه
- بها: ۲۷۰ تومان

چهار هفته باید خودش را در هنگام خواندن مخفی کند.

نمونه‌ها از شعرهای دیگر:

سلام به فصل پاییز

به فصل باغ عربان

(مفاعیل فمولن)

وقتی یک ماهی

تو تله افتاد

ماهی‌ها با هم

گفتند اتحاد

[مفعولن فعلن]

و در بعضی شعرها، در تمام شعر، کاملاً گذر وزن عادی

است و فقط یک مورد وجود دارد:

بابا آمد به به به

مامان خندید قه قه قه

«د» در خندید باید کمرنگ تلفظ شود.

این گونه برخورد با وزن، در مواجهه با کودکان دبستانی،

درست یا نادرسته دست کم نشان‌دهنده این است که شاعر

به دنبال سرایشی سهل‌الوصول می‌گردد و این فقط مربوط

به وزن نمی‌شود. نگاه می‌کنیم به سوژه‌ها. تکرار یک

سوژه، نه تنها عیب شمرده نمی‌شود، بلکه الزامی است، اما

نکته مهم رویکرد تازه به این تکرار است. نکته قبلاً گفته

شده را می‌توان دوباره گفته اما چنان که به نظر تازه برسد.

لااقل نصف سروده‌های این کتاب، دارای سوژه‌های تکراری،

بی هیچ رویکرد تازه‌ای است.

به این بند دقت کنید:

به مدرسه، به بازی

به شور و کوشش و کار

به فصل خوب پاییز

سلام، سلام بسیار

با نیم‌های باران
وزن اصلی شعر (مفاعیل فمولن) همان وزن مصراع
اول است. مصراع دوم را کودک باید بخواند: «که کشتی توی
گلنان». در واقع، باید از «کاشتی» سریع بگذرد و در مصرع
سوم نیز از کلمه‌ی «هوستی» و در مصراع آخر «با نیم‌های
باران» در واقع باید خوانده شود: به نیم‌های باران. به نظر
می‌رسد در این بند، لااقل در مصراع آخر، حتی برای کودک
تبدیل «با» که یک هجای بلند است، به یک هجای کوتاه،
ناخوشایند باشد. در بند بعدی مشکل بیشتر است:

به سه، سرزد از آن خاک
چهار هفته پس از این
به پنج، پنج تا جوانه
و شش، برگ پر از چین
که مصراع سوم به ناچار باید خوانده شود:

به پن، پن ته جوانه

یا این که از دو تا جیم پنج‌ها، سریع باید کودک عبور کند
و «ها» را باز هم کوتاه بخواند. هم‌چنین در مصراع دوم «ر» در

یکی از آخرین کتاب‌های شعر منتشر شده کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان «بابا آمد، نان آورد»، سروده مصطفی
رحماندوست است.

این کتاب حاوی ۱۲ قطعه شعر برای دانش‌آموزان ابتدایی،
به‌ویژه سال‌های دوم و سوم دبستان است. پس از همان
خواننده‌های اولیه کتاب، بارزترین چیزی که به چشم می‌خورد،
این است که شاعر، شعرهای خود را به زبان ادبی و کتابی
سروده است، اما برای یافتن لحن مناسب آنها، باید شعرها را
مثل ترانه‌ها و شعرهای عامیانه خواند. این موضوع،
دست کم درباره ۵ شعر کتاب صدق می‌کند. این که چگونه
شاعر به این تصور از وزن رسیده چنان اهمیت ندارد، بلکه
نکته حائز اهمیت این است که آیا این کار در تبیین شعرهای
سروده او، کفایت می‌کند یا نه؟ شعر «توبت غنچه» این‌گونه
آغاز می‌شود:

به یکه دانه به دانه

که کاشتی توی گلنان

به دو، دوستی دانه

شاعر، شعرهای خود را
به زبان ادبی و کتابی سروده است،
اما برای یافتن لحن مناسب آنها،
باید شعرها را مثل ترانه‌ها و شعرهای
عامیانه خواند

[به، به، به]
تق، تق، تق، تقانه
بابا آمد به خانه
[پوسه داغ و لبخند]
قه، قه، قه و تقانه، اصواتی هستند که به خوبی معنا
گرفته‌اند و وارد زبان شده‌اند.

اصواتی هم هستند که قبلاً در زبان بوده‌اند مثل ۷۷ایی،
هوهو و... رحماننوست از این اصوات هم خوب استفاده
کرده است، فقط در یک مورد، صلی خروس، در شعر، نمط
ناجور شده است:

دیدم خروسی خواند
قوقولی، قوقو
پر کرد خوابم را
بانگ امان او
[تصویر یک لبخند]

بلون تردید، بزرگسالان بعد از به دست آوردن وزن،
قوقولی قوقو را راحت ادا می‌کنند، ولی کودکان چه؟ حتی در
صورت به دست آوردن نوع خواندن نیز، این صوت، صوت
چندان دلچسبی نیست و باعث توقف در خواندن شعر می‌شود.
نهایتاً می‌شود گفت، این مجموعه شعر برای کودکان،
در راستای باقی مجموعه شعرها قرار می‌گیرد؛ نه بالاتر و نه
پایین‌تر. اگر قرار است کاری جدی در زمینه سرایش برای
کودکان صورت بگیرد، تنها تنوع مجموعه شعرها کافی
نیست، حرف همان حرف‌هایی است که سال‌هاست برای
کودکان تکرار می‌شود.

نکته قبلاً گفته شده را می‌توان
دوباره گرفت، اما چنان که به نظر تازه برسد
لااقل نصف سروده‌های این کتاب،
دارای سوژه‌های تکراری،
بی هیچ رویکرد تازه‌ای است

نیمی از کتاب، دارای سوژه‌هایی تازه
یا رویکردهایی تازه است
و از همه عالی‌تر و زیباتر،
اولین شعر کتاب است



[به پاییز سلام]

و حتی عنوان کتاب: «بابا آمد نان آورد» که تکرار همان
«بابا نان داد» است و بعضی شعرها هم که تکرار سوژه‌های
خود رحماننوست است.

و البته، از حق اگر نگذریم، نیمی از کتاب، دارای سوژه‌هایی
تازه یا رویکردهایی تازه است و از همه عالی‌تر و زیباتر، اولین
شعر کتاب است. شعر «حساب و نقاشی» تلفیقی از تصویر و
شعر است. این که بچه‌ها در این گروه سنی، بتوانند یک شعر
را چند بار بخوانند و هر بار کشف‌های جدیدی از آن داشته
باشند، کار کمی نیست. وقتی می‌گوید: «گل، پنج تا پنج»
حتی یک بزرگ‌سال هم قدری باید روی آن تأمل کند و بعد
به آسانی به راز مصراع می‌برد. این شعر، به نظر نگارنده
این سطور، بهترین شعر این مجموعه است.

شاید درباره هر مجموعه شعری که منتشر می‌شود،
بتوان به لحاظ دست‌یابی به موقعیت زبانی، سه حالت را
مطرح کرد:

۱- زبان شعری مجموعه، پایین‌تر از حد معمول این‌گونه
شعرهاست.

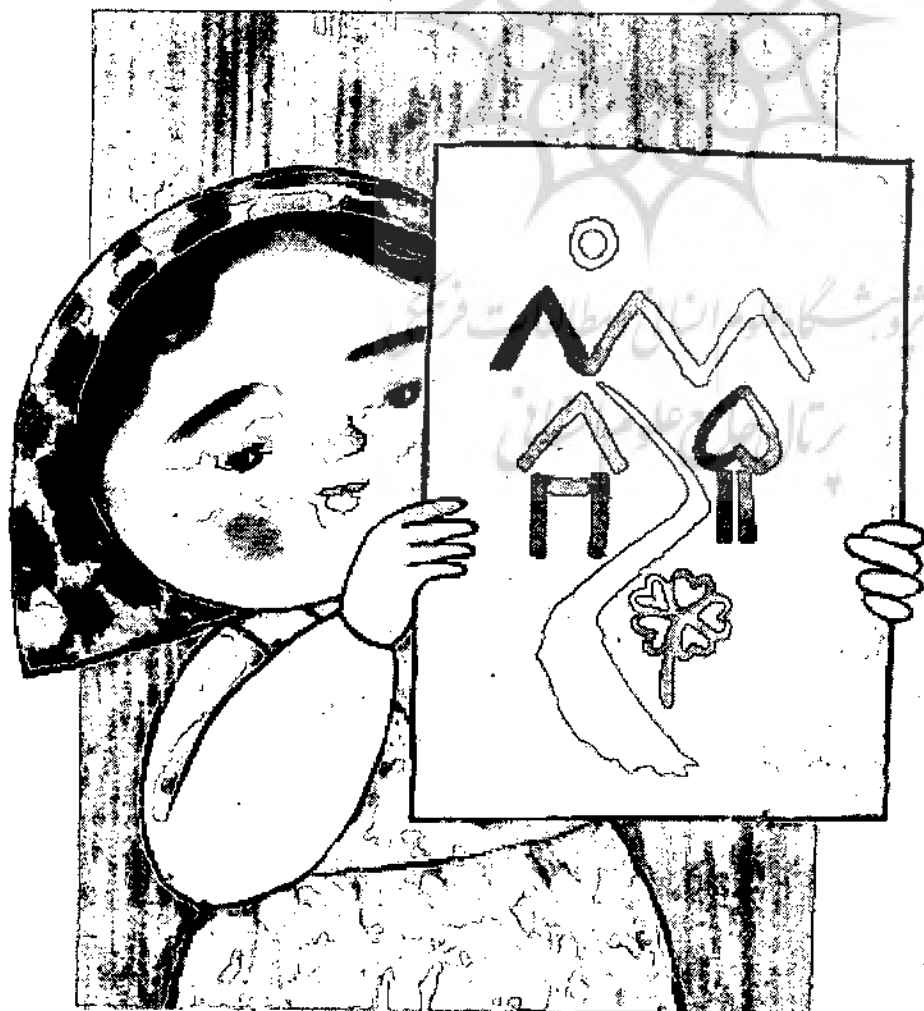
۲- زبان در این مجموعه، در حد و حدود معمول است.

۳- شعرهای این مجموعه، زبان معمول را متعالی کرده
است.

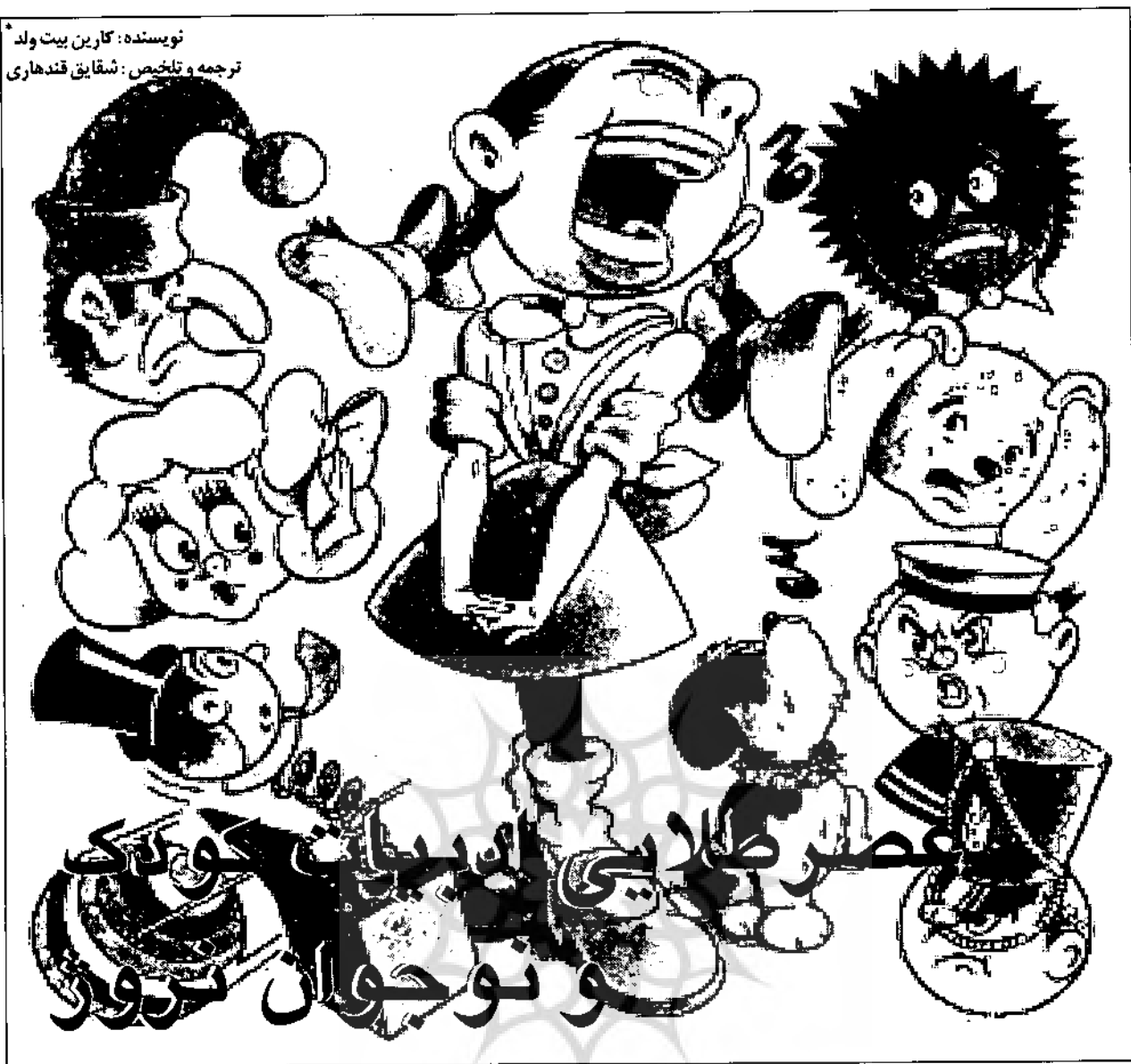
در مورد شعرهای این مجموعه، شاید بیشتر از همه،
همان مورد دوم صدق کند که زبان در حد معمول است.
ضمن این که در موارد بسیار محدود تلاشی دیده می‌شود
که با توجه به فضای بکر و خاص کودکان صورت گرفته
است. کودکان کلمات اضافه شده به زبان را راحت‌تر از
بزرگ‌ترها می‌پذیرند:

بابا آمد به به به!

مامان خندید قه قه قه!



نویسنده: کارین بیت ولد
ترجمه و تالیف: شقایق قندهاری



کتاب ماه کودک و نوجوان / خرداد ۱۳۹۰

شده بود، نقاشی کشیدند. آنها با نقاشی‌های کلاسیک خود، کوتوله‌ها، غول‌ها و... صحنه‌هایی از فرهنگ عامیانه نروژ را ترسیم کردند.

حماسه‌های خاص اسکاندیناوی نیز به وسیله هنرمندان و تصویرگران برجسته نروژ، به تصویر کشیده می‌شد. این دسته از آثار، توسط تمام اعضای خانواده مطالعه می‌شد و در نهایت، جزئی از فرهنگ کودکان و نوجوانان نروژ را تشکیل داد.

سر دبیران نشریات، در انتخاب متون و تصاویر، دو اصل کیفیت و استقلال طلبی میهنی را رعایت می‌کردند. بدین ترتیب زمانی که نثر داستانی «رئال» برای کودکان و نوجوانان شکل گرفته برای تعیین کیفیت آثار هنری کتاب‌ها که ابتدا بر اساس اهدافی نامشخص صورت می‌گرفته می‌یارهایی مشخص تعیین شد.

توسعه و پیشرفت زبان نروژی نیز در توسعه و پیشرفت ادبیات کودکان و نوجوانان تاثیر داشت. در سال ۱۸۸۵، قانونی به تصویب رسید که طی آن رعایت مساوات را برای هر دو زبان مکتوب نروژی، تضمین می‌کرد؛ «ریکسمال» محصول سلطه دانمارک در طول قرن‌های متمادی بود و «لندسمال» که براساس گفتار نروژی بنا شده بود. به این ترتیب تولید ادبیات برای کودکان به زبان خاص «لندسمال» به روشنی

به این ترتیب ادبیات کودکان، جایگاه ویژه خود را در نروژ پیدا کرد. اما علت این امر تنها به دلیل تبدیل آن به سلاحی در مبارزات فرهنگی نبود. در سال ۱۸۹۰، نروژ هم چنان در مقایسه با سوئد از اهمیت کمتری برخوردار بود و تازه در سال ۱۹۰۵ بود که بالاخره به عنوان کشور پادشاهی مستقلی شناخته شد. در سال‌های آغازین قرن، گرایش به مبارزه برای استقلال زبان، ادبیات و هنر بر فضای کشور حاکم بود. در این فرآیند، ابزار وجود ملی در قالب فرهنگ کودکان، خود یکی از عواملی بود که به نوبه خود تحت تاثیر این مبارزات قرار گرفت. می‌توان نشانه‌های مبارزات و حوادث این دوره را در کتاب‌های مصور این زمان به خوبی مشاهده کرد.

در سال ۱۸۸۸ نخستین کتاب بزرگ رنگی مصور چاپ شد که عنوان آن «کتاب مصور نروژ برای کودکان» بود. این اثر در میان آثار مصور، جزء آثار کلاسیک به حساب می‌آید و هم چنان تجدید چاپ می‌شود. در عین حال، در آغاز قرن، تصویرگری و نقاشی کتاب‌های کودک، گویای استعداد و قریحه خوب هنرمندان نروژی بود. دو هنرمند به نام‌های «لاریک ورنسکیولد» و «تئودور کیتل سن» برای قصه‌های عامیانه و افسانه‌های نروژ که توسط «پیتر کریستن اسجورسن» (۸۵-۱۸۱۲) و «یورگن مو» (۸۲-۱۸۱۳) گردآوری

ادبیات کودکی که در فاصله سالهای ۱۸۹۰ و جنگ جهانی اول در نروژ ظهور کرد، گرایش شدیدی به ادبیات اصیل و سنتی نروژ داشت. این ادبیات، بینش عمیق روان‌شناسانه و نیز علاقه واقعی به خواسته‌های کودکان را بازتاب می‌داد. این نوع ادبیات، زمانی شکل گرفت که «نتو رمانتسیم» در روان‌شناسی کودک و رشد کودک توجه زیادی برانگیخته بود. در نتیجه این امر، کتاب‌های این دوران حاوی برخی از بهترین توصیفات در خصوص کودکان است. در واقع، نویسندگان این کتابها آغازگران ادبیات مدرن کودک و نوجوان نروژ بودند که نفوذ آن، به سبب محتوای ذاتاً شاعرانه این آثار است و نه اهداف آموزشی و تربیتی آنها. این دوران، در تاریخ کتاب‌های کودک نروژ، به عنوان «عصر طلایی» شناخته شد.

در آغاز قرن، بیشتر نویسندگان کودک و نوجوان، برای هر دو گروه سنی کودک و بزرگسال می‌نوشتند. اما به هر حال، بسیاری از این نویسندگان توانستند برای کودکان آثاری کلاسیک خلق کنند در حالی که کتاب‌های بزرگسال آنها مدتی است که به ورطه فراموشی سپرده شده است. اما به مرور زمان، ادبیات کودک این امکان را به نویسنده‌های با استعداد و خوش ذوق داد تا در آن زمینه به طور حرفه‌ای و خاص خلاقیت خود را آشکار کنند.

نوعی سلاح فرهنگی تلقی شد.

نویسندگان در عصر طلایی، به کودکان و نوجوانان نروژی، ادبیات مخصوص آنها را معرفی و عرضه کردند. آنها در ادبیات ویژه خود، آرمان‌های عدالت، شهامت، جدیت و پشتکار را یافتند؛ همان آرمان‌هایی که حیات ملت به براساس آن نوزایی می‌شد.

در فاصله سال‌های میان دو جنگ جهانی، گرایش‌های پیشین تلوم یافت و بازار کتاب رونق گرفت و جای خلق گونه‌های جدیدتر باز شد. ناشران به چاپ مجموعه‌هایی روی آوردند که صرفاً برای پسران یا دختران در نظر گرفته شده بود. نویسندگان جدیدی هم در عرصه کتاب‌های کودکان، به طور تخصصی پا به میدان گذاشتند. این دسته از نویسندگان، با مخاطبان خود رابطه بهتری داشتند تا با منتقدان، چرا که ساختار ادبی زمان، هنوز ادبیات جدید را به رسمیت نمی‌شناخت. متأسفانه پس از عصر طلایی، ادبیات کودک نروژ دچار رکود شد تا اینکه در دهه ۱۹۵۰، بار دیگر تحولی در آن اتفاق افتاد.

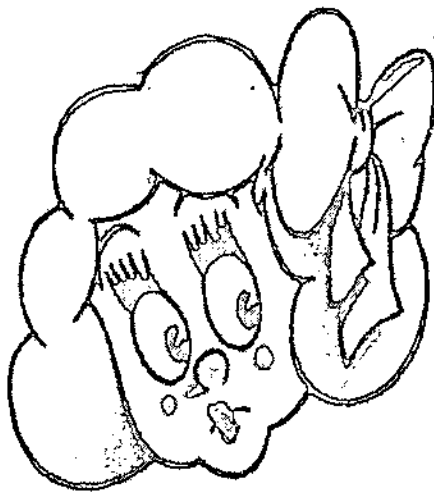
احیا و پویایی ادبیات کودک در دهه ۱۹۵۰

پس از دوران جنگ، سه نویسنده به نام‌های «سوب‌ژورن اگنر»، «آلف پروسین» و «آن کاس وستلی» بر عرصه ادبیات و فرهنگ کودکان و نوجوانان نروژ تسلط یافتند. هر سه از جمله هنرمندانی بودند که کار خود را با برنامه رادیویی «ساعت بچه‌ها برای خردسال» در اوایل دهه ۱۹۵۰ شروع کردند و موانع را پشت سر گذاشتند.

«سوب‌ژورن اگنر» (۱۹۱۲-۹۰) توانست با ترانه‌ها، داستان‌ها، کتاب‌های مصور و نمایشنامه‌های رادیویی خود، جای خود را در دل کودکان و بزرگسالان نسل‌های متملای باز کند. نوشته‌های اگنر، لحنی دوستانه داشت که استفاده از رسانه کلامی رادیو، به آن کمک کرد. او با فاصله‌گیری از «رنالیم» که در ادبیات کودکان و نوجوانان نروژ جنایت و کشش خاصی داشته از افسانه‌های نروژی و طنز خلاق کتاب‌های انگلیسی کودکان نظیر «Winnie - the - Pooh» الهام گرفت. او این دسته از کتاب‌های انگلیسی را ترجمه و با موفقیت فراوان، آنها را برای رادیو بازنویسی کرد. در داستان‌های اگنر ما با دنیایی شاد روبه‌رو هستیم. داستان‌های او که به بیش از بیست زبان ترجمه شده، مرزهای فرهنگی را به سهولت پشت سر گذاشته است. این نویسنده در ذهن کودکان نروژی جایگاه ثابتی پیدا کرده است. مشهورترین آثار اگنر «شهر آوازخوان» (سال ۱۹۵۵) و «گاریاس و باباکوس» (سال ۱۹۶۲) است.

«آلف پروسین» (۱۹۱۴-۷۰) یکی از نویسندگانی بود که پس از جنگ، به سرعت جایگاهی کلاسیک به دست آورد. داستان‌ها و ترانه‌های او، جزئی از میراث فرهنگی نروژ محسوب می‌شود که نسل‌ها را یکی پس از دیگری به هم پیوند می‌دهد. او که همانند اگنر داستان‌نویس کودکان بود، سنت مرسوم «رنالیم» را شکست و دنیایی «تخیلی و فانتزی» را به کودکان معرفی کرد. در بسیاری از موارد او مواد اصلی کار خود را از افسانه‌های سنتی نروژ، به امانت می‌گرفت و برای قالب داستان‌های خود از فضای روستایی بهره می‌برد. او توانست از فردی بزرگسال به نام خانم «پیرپوت» به عنوان راوی داستان‌های خود استفاده کند.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد و به خصوص در دهه ۱۹۷۰، این سه نویسنده به ادبیات کودکان و نوجوانان نروژ، توان مضاعفی بخشیدند. در این میان، «آن کاس وستلی» موقعیتی بسیار خاص داشت؛ او در دنیای کتاب کودکان نروژ با بیش از چهل عنوان کتاب، به عنوان یک پدیده شناخته شده است و



نویسندگان در عصر طلایی،
به کودکان و نوجوانان نروژی،
ادبیات مخصوص آنها را معرفی
و عرضه کردند. آنها در ادبیات ویژه خود،
آرمان‌های عدالت، شهامت، جدیت
و پشتکار را یافتند؛
همان آرمان‌هایی که حیات ملت،
براساس آن نوزایی می‌شد



در حالی که ادبیات سنتی کودکان می‌پنداشت
که با مهارت و تجربه بزرگسالان،
می‌تواند معیارهای اخلاقی را پرورش دهد،
ادبیات مدرن،
کاملاً بدون قید و شرط بود و در واقع،
بیش از آنکه به سوالات پاسخ دهد،
خود سوال برانگیز بود
و در ذهن مخاطبان
و خوانندگان ایجاد سوال می‌کرد

کتاب‌هایش به طور مرتبه تجدید چاپ می‌شوند وستلی به داستان‌های رئال کودکان، حیات جدیدی بخشیده است. او در داستان‌های خود، کودکان و نوجوانان شهری را که در آپارتمان‌های مدرن زندگی می‌کنند و زندگی شهری را تجربه می‌کنند به تصویر کشیده است. او به گونه‌ای می‌نویسد که کودکان و نوجوانان به سهولت با فضای داستان‌هایش ارتباط برقرار می‌کنند. تاکنون کتاب‌های او به بیش از پانزده زبان مختلف ترجمه شده است.

اگر بخواهیم تصویر ادبیات کودکان نروژ این دوره را تکمیل کنیم، باید نام شخص دیگری را به مجموعه بیفزاییم؛ «اینگره‌گراپ» (۱۹۰۶-۸۵) شاعر کودکان که اولین مجموعه اشعار خود را در سال ۱۹۵۰ با عنوان «چه عجیب» به چاپ رساند. مجموعه اشعار وی مفهومی تازه به شعر داد و تا حدی آن را دگرگون ساخت. در اشعار موزون و آهنگین او، از ترانه‌های مهدکودک نروژ، استفاده خلاق شده است. این خانم با چاپ مجموعه اشعار «هلتر اسکلتور» در سال ۱۹۷۹، فاصله بین شعر کودک و شعر بزرگسال را با موفقیت از میان برداشت و به مقبولیتی عام دست یافت.

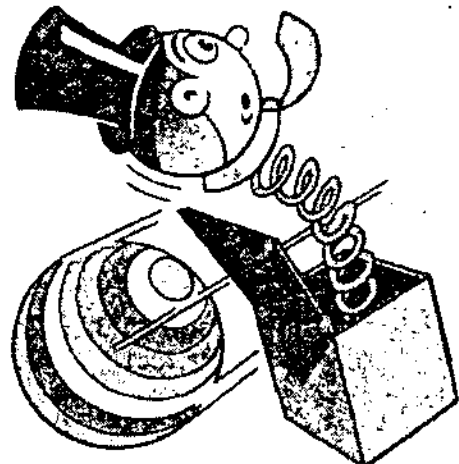
شکوفایی مجدد در دهه ۱۹۷۰

بار دیگر در اواخر دهه ۱۹۷۰، ادبیات کودکان و نوجوانان در نروژ شکوفا شد. در آن زمان، بازار کتاب‌های کودکان، در سلطه کتاب‌های ترجمه بود. با حضور این کتاب‌ها، نگاه واقع‌گرایانه به مشکلات اجتماعی و فقر اجتماعی بار دیگر ظهور کرد و موجب بازنگری نسبت به کتاب‌های کودکان شد.

در حالی که ادبیات سنتی کودکان می‌پنداشت که با مهارت و تجربه بزرگسالان، می‌تواند معیارهای اخلاقی را پرورش دهد، ادبیات مدرن، کاملاً بدون قید و شرط بود و در واقع، بیش از آنکه به سوالات پاسخ دهد، خود سوال برانگیز بود و در ذهن مخاطبان و خوانندگان ایجاد سوال می‌کرد.

در حقیقت، نیازهای آموزشی که بر ادبیات کودکان تحمیل شده بود، بیشتر از آن که حس رقابت را در کودکان برانگیزد، محدودیت‌ساز می‌نمود و آنان را از توسعه و پیشرفت بازمی‌داشت. در این زمان، این بحث مطرح شد که اصولاً معیار قضاوت در مورد ادبیات چیست؟ به این ترتیب بار دیگر ادبیات کودکان وارد مسیر فکری روز شد.

با این حال، ادبیات کودکان نروژ، هم چنان تحت تاثیر ترجمه‌های متعدد بود تا اینکه حمایت مورد نیاز این بخش در سال ۱۹۷۸ فراهم شد و کتاب‌های نروژی کودکان و نوجوانان،



درست است که «شعر کودک» محبوبیت چندانی در نروژ ندارد، اما به هر حال توانسته به موفقیت‌هایی دست یابد.

در طول دهه ۱۹۸۰،

مدرتیسیم در اشعار شاد و تغزلی

کودکان مفهوم جدیدی یافت.

امروزه شاعرانه نمودن همه چیز

در مجموعه‌های اشعار کودکان

به چشم می‌خورد



داستان، برای کشف هویت خود در دنیای بدون ارتباطات و بدون الگوهای بزرگسالان است. نویسندگان در آثار خود از طنز تلخ استفاده می‌کنند و برای ماندگاری آثار خود، از ابزارهای روان‌شناسانه بهره می‌برند. اغلب راویان بدون خوشبین‌طاری، نگاهی به دوران کودکی و نوجوانی خود یعنی نویسنده اثر دارند. این ادبیات مرزهای ادبیات کودک و بزرگسال را از میان می‌برد و گاهی گفته می‌شود که بیش از آموزش به کودکان، به بزرگسالان درس می‌دهد!

تعداد کثیر نویسندگانی که خود را درگیر کار تولید ادبیات کودکان کرده‌اند نشان از رقابت و تبادل نظر زنده میان هنرمندان این رشته دارد. در طول سال‌های اخیر، ترکیب ژانرها، ویژگی شاخص ادبیات کودکان و نوجوانان شده است. استفاده از تکنیک‌های روایی پیشرفته و نماد و تمثیل، احساس یگانگی و همدلی مخاطب را بالا می‌برد.

کتاب‌های غیر داستانی، قدیمی‌ترین نوع ادبیات کودکان و نوجوانان محسوب می‌شوند. هدف آن ترکیب اطلاعات و آموزش با سرگرمی است اما راه‌های رسیدن به آن به واقع تغییر کرده است. در ادبیات غیرداستانی امروز، اطلاعات به گونه‌ای ارائه می‌شود که با نگرانی مخاطبان خود (کودکان) مرتبط و متناسب باشد.

پس از اینکه «هوگن» جایزه آندرسن را دریافت کرد، بلافاصله کتاب جدید و شگفت‌آوری به بازار معرفی شد که هیچ کس حتی تصور آن را نمی‌کرد. این کتاب «دنیای سوفی» نام داشت و «یوستین گادر» نویسنده آن بود. این کتاب در سال ۱۹۹۱ برای نخستین بار به چاپ رسید و نمونه بسیار خوبی از ترکیب ژانرهاست.

«دنیای سوفی» در درجه اول تاریخ فلسفه است. اما به شکل داستانی بیان شده و با قالب و فرم سنتی کتاب‌های فلسفی متفاوت است. کتاب در حین معرفی فلاسفه مشهور، درباره راز و رمزهای اساسی زندگی و حیات سوال می‌کند. دنیای سوفی، در اصل برای مخاطبان جوان در نظر گرفته شده بود، اما بلافاصله خوانندگان همه گروه‌های سنی را به سوی خود جلب کرد. در بسیاری از کشورها این کتاب تنها به بزرگسالان فروخته می‌شود. جالب است که این کتاب، در کمتر از یک دهه به چهل زبان ترجمه شد.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، با توجه به حمایت‌های دولتی، ادبیات کودکان و نوجوانان هدف خود را پیشرفت ادبی قرار داده است. این برنامه موفقیت‌آمیز بوده و در محدوده زبانی خود به نتایج قابل توجهی دست یافته و توجه بین‌المللی و جهانی را به خود معطوف کرده است.

در آغاز قرن و هزاره‌های جدید شاید بار دیگر بتوانیم درخصوص دوران طلایی ادبیات کودکان و نوجوانان نروژ سخن بگوییم.

عنوان هنری مستقل کمک کرده است. «اکمن» که خود متن کتاب هایش را (علاوه بر تصویرگری) می‌نویسد در این خصوص بسیار شاخص است. او مرزهای سنتی و موسوم ژانر کتاب‌های تصویری را - هم از لحاظ موضوعی و هم از لحاظ تصویری - می‌شکند تا بدین طریق ارتباط واحدی میان متن و تصویر ایجاد شود.

در حالی که نویسندگان مرد، بر حوزه نثر روایی کودکان تسلط دارند زنان در زمینه تصویرگری، موفقیت ممتازی به دست آورده‌اند. در کنار «اکمن»، «لین سند موزه»، «هیلد کرامر»، «اینگری اگریگ» و «اینگری بلسویک» نیز تمهید خود را نشان داده‌اند. همان‌طور که اشاره کردیم، یکی از منابع الهام تصویرگران، افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه نروژی بود اما جایگزینی تصاویر کلاسیک برجای مانده از اواخر قرن نوزدهم همیشه کاری دشوار بوده است تا اینکه بالاخره در دهه ۱۹۸۰ که افسانه‌ها احیا شدند، «هارالد نودبرگ» و «هیلد کرامر» تصاویر جدیدی برای افسانه‌های کهن خلق کردند. برخی از این تصاویر، برداشت‌های روان‌شناسانه و طنزآمیزی را آشکار می‌کنند و بدین طریق، نشان می‌دهند که مجموعه فوق برای بزرگسالان هم مناسب است.

در طول دهه ۱۹۹۰، اسطوره‌های اسکاندیناوی، توسط «برینگنز اورو» و «اگنر هولاند» بازنویسی شد و در رده ادبیات معاصر قرار گرفت. از طرفی استفاده از فانتزی، بر ادبیات کودکان نروژ، تأثیر چندانی نداشته است. با این حال، تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که جوانان نروژی، به مطالعه آثار فانتزی ادبیات انگلیسی، چه ترجمه و چه در نسخه‌های انگلیسی آن، علاقه‌مند هستند. نویسندگان نروژ، تازه در اواخر دهه ۱۹۹۰ این ژانر را کشف کردند و ابتدا آن را برای مطالعه بزرگسالان به کار گرفتند.

درست است که «شعر کودک» محبوبیت چندانی در نروژ ندارد اما به هر حال توانسته به موفقیت‌هایی دست یابد. در طول دهه ۱۹۸۰، مدرتیسیم در اشعار شاد و تغزلی کودکان مفهوم جدیدی یافت. امروزه شاعرانه نمودن همه چیز در مجموعه‌های اشعار کودکان به چشم می‌خورد.

از طرفی، رمان معاصر کودکان و نوجوانان، اگر چه از قانون و قاعده خاصی پیروی نمی‌کند احترام خاصی برای مخاطب نوجوان خود قائل است و او را در ورطه احساسات نازل و افراطی نمی‌اندازد. به طور کلی، از اواخر ۱۹۸۰ به بعد ادبیات کودکان در نروژ، زمینه تجربه‌گری در قلمرو زبان‌شناسی، محتوایی و سبکی شده است.

داستان‌های دهه ۱۹۹۰ نشانگر خواست قهرمان نوجوان

همانند سایر آثار ادبی و داستانی نروژ، اهمیت خاص خود را بازیافتند. به بیان دیگر، تازه در آن زمان بود که دولت، متوجه اهمیت ادبیات کودکان به عنوان بخشی از میراث ادبی - ملی نروژ شد.

در فاصله دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در اثر کشمکش میان تسلط بین‌المللی بازار کتاب و سیاست‌های دولت، ادبیات جدیدی در عرصه کودکان و نوجوانان شکل گرفت که محور آن اصول اخلاقی بود.

در دهه ۱۹۷۰، نسل جدیدی از نویسندگان در صحنه ادبیات کودک و نوجوان حضور یافتند تا ادبیات را به عنوان مفهومی خاص تعریف و امکانات و راهکارهای آن را کشف کنند. برجسته‌ترین آنها عبارتند از: «توراژ برینگینز وارد»، «توریل تورستاد هوگر»، «لینز اولکلند»، «رون بلسویک»، «تورمد هوگن» و «فام اکمن» همه آنها - به جز هوگن - یا نخستین بار برای بزرگسالان نوشتند و یا اینکه هم چنان به نویسندگی برای بزرگسالان ادامه دادند. نویسندگان جدید، خواهان ارتباط دو سویه و برابر با کودکان و نوجوانان بودند و مایل نبودند از موضعی برتر با مخاطبان‌شان روبه رو شوند. در اواخر دهه ۱۹۸۰، ادبیات کودکان و نوجوانان نروژ به تدریج جایگاه جهانی بهتری به دست آورد. هوگن، مشهورترین نویسنده این نسل است. او بالاترین جایزه بین‌المللی را در زمینه ادبیات کودکان - جایزه هانس کریستین آندرسن در سال ۱۹۹۰ - را دریافت کرد.

تنوع سبک‌ها در دهه ۱۹۹۰

در این دهه، استفاده از شکردهای روایی گوناگون و متفاوت، افزایش می‌یابد. نویسندگان خود را بیرون متن قرار می‌دهند و یا با متن و نوشته سایر نویسندگان کار می‌کنند. حتی در نوشتن داستان‌های خردسالان، نویسندگان ضمن توجه به سن مخاطبان خود، امکانات جدیدی را در روایت داستان تجربه می‌کنند و در همان حال که ممکن است لحن راوی به ظاهر طنزآمیز باشد وضعیت غم‌انگیزی را در خود نهفته است.

در این دهه، تحت تأثیر تجربه‌های بین‌المللی، بار دیگر نفوذ مکتب ادبی رئالیسم در ادبیات کودکان، کم رنگ شده است. نویسندگان این زمان بیشتر با اصول تخیلی و فانتزی سرو کار دارند. از آن جایی که هم اینک ناشران برای تولید جهانی کتاب‌های مصور خود زیربنای اقتصادی درستی دارند در این زمینه رشد متناسبی صورت گرفته است. کتاب‌های مصور، برخی از بهترین استعدادهای هنر معاصر به سوی خود جذب کرده و همین به شناخت کتاب‌های مصور، به

* کارین بیت ولد از سال ۱۹۸۵ به بعد مدیر موسسه کتاب کودکان نروژ بوده است. او یکی از نویسندگان تاریخ کتاب‌های کودک نروژ (چاپ ۱۹۹۷) نیز محسوب می‌شود. هم چنین، او یکی از سردبیران سالنامه ادبیات کودکان است. ** این کتاب با همین نام توسط «حسن کامشاد» به زبان فارسی ترجمه شده است و انتشارات نیلوفر، آن را در سال ۱۳۷۵ به چاپ رساند. (مترجم)

منبع: ۱۹۹۹، Book bird